

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند
یکسره بی اساس باشد ولی میتواند
کاملاً غیراصولی باشد
بخش سوم

امیرفیض- حقوقدان

اتهام جنگ طلبی

یکی از مهمترین و درعین حال بی پایه ترین اتهاماتی که درنامه آخرین هشدار آمده اتهام راه انداختن جنگ علیه ایران ناشی از اقدامات اعلیحضرت ما و «شاهزاده رضا پهلوی» آنان است که این تحریر بمناسبت آن تنظیم میگردد و بنظر میرسد که این بخش از تحریر مشخص ترین بخش دفاع آقای امید دانا را تشکیل میدهد و علت این توجه خاص در همین تحریرنمایان خواهد شد.

ادعای نامه هشدار

حضرتعالی، علیرغم ابراز مخالفت با حمله نظامی به ایران، درسال ۲۰۱۲ خواستار بررسی پرونده جنایت علیه بشریت در ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد شدید * خواستی که در صورت جدی گرفته شدن و موفقیت، خارج از اراده و نیت حضرتعالی که در بهترین فرض ضد جنگ بوده * بالقوه میتوانست تحت فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد زیر عنوان * «مداخله بشردوستانه به توسل به زور بیانجامد این اقدام حضرت عالی بالقوه نقض استقلال سیاسی ایران بود که خوشبختانه معدوم ماند...»
(متن از نامه هشدار)

قبل از اینکه بنقد ادعای نامه هشدار (بشرح فوق) پرداخته شود، به موردی اشاره خواهد شد که بکل اعتبار حمایت از نامه مزبور را برباد میدهد و در همین اشاره است که موقعیت آقای امید دانا را در ارزیابی اقدامات خودشان در رابطه با نامه هشدار روشن میسازد.

رجوع به سابقه

در ۱۵ دسامبر سال ۲۰۱۱ اعلیحضرت اظهار تمایل کردند که نسبت به اعمال ضد بشریت علی خامنه ای شکایت شود > استناد اعلیحضرت به شکایت مزبور گزارش ۲۲ صفحه ای حقوق بشر با مستندات تهیه شده توسط تیم حقوقی شامل وکیل مجرب فرانسوی ایشان بود که شکایت مزبور در ۲۲ فروردین به سازمان ملل و روسای کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل داده شد.

بی اعتباری در راستای دورویی

شکایت اعلیحضرت از خامنه ای، از سوی ایرانیان خارج از کشور با استقبال عمومی روبرو شد که برجسته ترین استقبال را میتوان در اقدام آقای امید دانا یافت؛ که با ترتیب دادن تظاهراتی و شعارحمایت از اقدام اعلیحضرت پشتیبانی کردند و حدود ۳۴ «نفر» از شرکت کنندگان در آن تظاهرات با ذکر نام و ارائه تصویرشان از طرح تعقیب خامنه ای و خواست اعلیحضرت حمایت علنی و جدی کردند که در بین آن اشخاص، نامهای هومرآرامیان - ضیاء آتابای - میلاد آقائی - امید دانا و حمید وحدتی و خاتم فیروزه غفارپور دیده میشود، که همین اشخاص نامشان در حمایت از نامه هشدار هم ثبت و ضبط است.

تنها تفاوتی که در این تعارض مفهومی قابل ملاحظه است این است که در آن برنامه حمایت از طرح تعقیب خامنه ای، حضرات بنام فعال سیاسی معرفی شده اند و در تائید و حمایت از نامه هشدار، کنشگر و ملی باوری (عنوان اختراع شده بی معنا و حرف بردار- توضیح خواهد داشت) معرفی شده اند و تفاوت دیگر اینکه در برنامه حمایت آقای امید دانا حضرات همراه تصویرشان و سخنان نغزشان حضور داشته اند و در جریان نامه هشدار فقط نامشان دیده میشود و اصالت آنهم زیر سوال است زیرا نه امضائی دارد و نه امکان تماس.

نام عمل حضرات دورویی، ریاکاری، منافق، بوقلمون صفتی، نامردی و گل آفتاب گردان است که به هر طرفی که خورشید باشد آن گل هم میچرخد ولی متاسفانه در فرهنگ سیاسی ایرانیان خارج از کشور همان ریاکاران شده اند کنشگر و ملی باوری.^۱

فکر نکنید آنهاییکه نامشان در تائید و حمایت از نامه هشدار هست و در برنامه آقای امید دانا نیست پس اشخاص با عقیده و قابل احترامی هستند؛ خیر آنها خبر نشده بودند والا با سروجان در برنامه تظاهرات آقای امید دانا هم شرکت میکردند، زیرا آن زمان هم موقعیت استثنائی برای مطرح شدن نامشان فراهم گشته بود.

آخر چطور میشود انسان یک برنامه را چنان تائید کند که شعار جمعی حمایت، حمایت را سر بدهد و چند سال بعد همان موضوع و مجری آنرا چنان نفرین کند که سرآمد نفرین ها باشد؛ آدم دو رو و متظاهر و ریاکار بسیار دیده شده ولی نه در این حد.

ریاکاران عالم را که دیدی بسان مردم ایران ندیدی

استاد سعید نفیسی بعد از شهریور ۲۰ بمناسبت دورویی مردم مقاله ای نوشت «تحت نام بلوط و نی» و مردم رابه دودسته تقسیم کرد انسان هائی که چون بلوط در مقابل حوادث ایستادگی میکنند و از اعتقاد خودشان فرمان میگیرند و دسته ای که مانند نی سرخم میکنند.

^۱ - اگر کسی در قالب قانون بوده باشد و قانونمدار باشد و اعتقاد راسخ به چیزی داشته باشد نه قابل خرید میشود نه «بوقلمون صفت». ح-ک

روال غیر عادی لازم است

تصور نمیکنم یک روال عادی بتواند چنین دستاوردی را بوجود آورد، عواملی لازم است که انسان را به این راه متضاد و بی آبرویی تام و تمام بکشاند که یکی از آن عوامل، روابط دوستی و احترام به اشخاص عاملی است که انسان به اعتبار همان رابط، وارد عمل و اقدامی میشود که ناظر و واقف بر ماهیت آن نیست و در این فرض میتوان این گمشده را یافت که توصیه و دست اندرکاری و روابط دوستی و فعالیت های آقای امید دانا عامل مهم و موثر در ایجاد اعتماد در افراد بر باور به اصالت نامه هشدار شده است.

آنچه عرض شد استنباط روانی است و ابداء و هرگز رفع مسئولیت از تائید کنندگان نامه هشدار نمیکند.

ایراد حدی

نمیتوان این ایراد را مطرح کرد که چرا کسانی که حمایت و پشتیبانی از طرح تعقیب خامنه ای و درمنا اقدام اعلیحضرت را تائید و داد سخن داده اند همان ها چند سال بعد همان اقدام اعلیحضرت را که تائید و حمایت کرده اند نه تنها محکوم میکنند که نفرین هم مینمایند.

به این دوگانگی نمیتوان ایراد عام گرفت بلکه ایراد خاص وارد است. عده ای همه چیز حتی جان و ناموس خودشان را خرج فقط مطرح شدن میکنند و همینکه تصویر و یا نامشان در جانی مطرح شده کافی است دیگر هرگز اهمیتی ندارد که برای چه و به چه دلیل و حتی آثار آن در آن ماجرا چه خواهد بود.

اما نمیتوان این ایراد مسلم را متوجه آقای امید دانا ساخت که ایشان سازنده برنامه حمایت از اقدام اعلیحضرت در تعقیب قضائی خامنه ای بوده و امروز هم رهبر عملیات و حداقل مدافع تا آخرین نفس، از نامه هشدار تشریف دارند. دو عمل و اقدام کاملاً متضاد نسبت به یک موضوع واحد، آنهم اقدام عمومی که فرق است با اقدام خصوصی (در مورد اقدام عمومی مسئله اغوا و سوء استفاده از اعتماد عمومی در میان است) این دوگانگی برای یک شخصیتی که برنامه ساز و منتقد سیاسی است > که در عین حال مدعی است که کار سیاسی نمیکند < قابل قبول نیست و شخصیت اعتباری او بوسیله صابون بی اعتمادی مردم شسته میشود و در واقع میتوان گفت: > نه به آن شوری شور و نه به این بی نمکی < نه به آن تظاهرات و نه به این نفرین ها.

مسئله اعتماد در جریان این ولوله

اعتماد یک قوه نامرئی است که براراده و تصمیم، سخت اثر گذار است و در واقع بنیابت عقل و هوش آدمی تصمیم میگیرد تمام داد و ستد های فکری و مالی بر مبنای اعتماد عمومی است. شخصیت، دانائی، بی نیازی مالی، مقام، نسب، رفاقت، پیش کسوتی و بسیاری نظیر آنها از عوامل و ملات اعتماد است که در شخص ایجاد میشود و به اعتبار همین رابطه معنوی چرخ فعالیت ها از هر قسم خاصه سیاسی میچرخد مگر خلاف آن با سر خوردگی و برخی برخوردها به اثبات برسد.

این مقدمه بدان سبب لازم افتاد که ولوله ناشی از نامه هشدار از مجرای اعتماد به جریان افتاده است نه از مجرای اراده و تصمیم و دور اندیشی. شاید این جرات را پیدا کنم که بگویم حتی نامه مزبور را که بطور حتم انشای آقای امید دانا نیست خود آقای امید دانا درست تا اندازه فهم نخوانده و مرجعی شده برای توصیه حمایت از آن نامه.^۲

جریان اعتماد به اشخاص خیلی از این حرفها مهم تراست همان نامه صدای انقلاب شما را شنیدم براساس جریان اعتماد از سوی شاهنشاه خوانده شد.

بنده هم اگر طرف تلفن آقای امید دانا قرار می‌گرفتم و ایشان میگفت در جریان تلاشی هستیم که اعلیحضرت رضاشاه دوم (نه شاهزاده) در جایگاه و مقام قانونی عمل کنند، بنده هم تحت تاثیر قرار می‌گرفتم. انسان گرفتار و نا امید و منتظر، همیشه تاثیر پذیراست.

متاسفم که آقای امید دانا نخواستند پیشگامان و نویسنده نامه مزبور را معرفی کنند و اینهم خصلتی از خصلتهای خوب و از مبانی وفای به عهد و رازداری است. والا اگر معلوم میشد که تهیه کنندگان این نامه چه کسی و یا کسانی بوده اند رابطه تلقین و سوء استفاده از اعتماد، بیشتر و بطور کاملتر هاله های اعتمادی که شخص آقای امید دانا را هم آلوده کرده هویدا می‌گردید.

اینکه آقای امید دانا تمایلی به معرفی نویسنده نامه ندارد این خود تاثیر رابطه اعتمادی بین شخص یا اشخاص تنظیم کنندگان نامه و آقای امید دانا است.

توضیحی درباره دعوی تعقیب خامنه ای

این روزها که بار دیگر مسئله کشتار سال ۶۷ مطرح شده و واکنش جمهوری اسلامی نشانی از نگرانی شدید دست اندرکاران آن جنایت ضد بشریت است. امروز که آخوند پور محمدی باصطلاح وزیر دادگستری (احد از قاتلین و جانان کشتار سال ۶۷) اعلام کرده که «من افتخار میکنم که حکم خدا را در مورد آنها اجرا کردم» اهمیت خواست اعلیحضرت نسبت به تعقیب خامنه ای بیشتر قابل درک و تجلیل است.

اگر دعوی مزبور با موفقیت همراه نبود مسئله غیر قابل پیش بینی نبود؛ در تحریر «موانع دیوان کیفری بین المللی که در تاریخ ۲۰/۱۲/۲۰۱۱»^۳ انتشار یافت نوشته شده «دادگاه لاهه صلاحیت رسیدگی به این شکایت را ندارد زیرا پروتکلی که در رابطه با میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بتصویب رسیده جمهوری آنرا امضا نکرده است». ولی آقای مصطفائی وکیل دادگستری تهران که بعلتی از ایران خارج شده بود و در کنار اعلیحضرت قرار داشت؛ عقیده بردرستی دعوا و دخالت و احراز صلاحیت دادگاه لاهه را

^۲ - دیگر امضا کننده ها هم درست نخوانده اند و اگر خوانده اند نفهمیده اند، چون مدتی آقای امید دانا زمینه «اعتماد» را از طریق برنامه های رودست فراهم کرده است مردم «نام داران» (دستینه گذاران) همانند خروس بی محل چشم بسته و آغاز روز را «قوقولی قو» داده اند.. و چه جای اعتراض است که برخی متوجه اشتباه خود شده اند ولی هنوز جرات بیان در آنان مقطوع است. ح-ک

^۳ - <http://1400years.org/AmirFeyz/MavaneDivaneKeyfari-AmirFeyz-20Dec2011.pdf>

داشت و اعلیحضرت هم قبول کردند راجع به وکیل فرانسوی هم هیچ سند و یا حتی اظهار شفاهی در دست نیست که او موفقیت دعوای تانید و یا حتی پیش بینی کرده باشد.

بنابراین از آنجا که دادگاه لاهه نمیتوانست راسا به شکایت مزبور وارد شود، ناچار شکایت باید به دبیرکل سازمان ملل میرفت و در صورتی که سازمان ملل نظر موافق داشت آنرا به شورای امنیت محول میساخت.

سوابق نشان میدهد که شکایت اعلیحضرت به سازمان ملل داده شده ولی سازمان ملل با ارجاع شکایت به شورای امنیت موافقت نکرده است.

علت عدم موفقیت

علت عدم موافقت طرح تعقیب خامنه ای این است که مسائل قضائی جهانی کاملاً تحت الشعاع مسائل سیاسی قرار گرفته است؛ یعنی قدرت سیاسی، جانی برای اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان باقی نگذاشته است. مگر ناظر نبودیم که دبیرکل سازمان ملل متحد با چه زبونی و وقاحت محکومیت عربستان سعودی را که خود اعلام کرده بود نقض کرد؟ تاکنون کدام رئیس کشوری که در قدرت بوده بواسطه نقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت از طریق شورای امنیت به دادگاه لاهه رفته است، که خامنه ای دومین آن باشد.

سال ۲۰۱۲ همان سالی است که دولت آمریکا با جمهوری اسلامی در عدن مذاکره بسیار محرمانه داشت که به آغاز مذاکرات هسته ای با ۱+۵ و در نهایت ریاست جمهوری روحانی و تسلیم خامنه ای به برجام منتهی شد؛ چه جای انتظاری است که سیاست جهانی آمریکا بگذارد که طرح تعقیب خامنه ای سبب تاثیر منفی بسیار بزرگی بر مذاکرات محرمانه عدن بشود؟ آنهم طرحی که مجری آن کسی است که آمریکا برای ترضیه خاطر جمهوری اسلامی او را گروگان گرفته و حقوق سیاسی او را؛ یعنی انتقال سلطنت را به او قبول ندارد و بالطبع در اجرای این تصمیم وزارت خارجه کشورش باید نشان دهد که به قراری که گذاشته یعنی جلوگیری از فعالیت سلطنت ولیعهد قانونی ایران یا برجاست، آمریکا نمیگذارد که گروگان گرفته (اعلیحضرت) امتیازی کسب کند که سبب آزردهی سیدعلی خامنه ای بشود که در جهت تامین منافع و نگرانی های آمریکا قدم برمیدارد.^۴

ماهیت دعوای مزبور

۴ - احتمال این نظریه هم وجود دارد که تظاهرات به نفع عمل اعلیحضرت در بردن خامنه ای به دادگاه از سوی آقای امید دانا و همین هشدار در جهت مقابله با آن و نفرین هردو از جمله طرحی طولانی باشد که هرکدام به نوبه خود در جهت بی اعتبار کردن اعلیحضرت ضربه محکمی را وارد کرده است. ح-ک

هر دعوائی منافع و احتمالا هزینه ها و احتمالات شکست را دارد دعوی اعلیحضرت علیه خامنه ای هم از این قاعده مستثنی نبود بهمین دلیل در لایحه ای حضور اعلیحضرت اظهار نظر شد که موضوع با فرم های حقوقی مسلط بر حقوق بین الملل نه تنها مورد مشورت که ماموریت دعوا به آنها محول شود.

حتی ضمن تحریر مورخ ۲۱/۱/۲۰۱۲ ° این هشدار به وکیل فرانسوی شکایت داده شد که >در طرح شکوائیه علیه خامنه ای الگو قرار دادن لیبی و ساحل عاج کار ناموجهی است و بهتر است حذف شود<.

نمیگویم که دعوی علیه خامنه ای نیابستی مطرح میشد بسیار هم لازم و بجا بود ولی نه بطور مستقیم و زیر نام اعلیحضرت! زیرا علاوه بر اثرات شکست و یا تصمیم سازمان ملل بر عدم قبول شکایت که متوجه شخص اعلیحضرت میشد اساسا شکایت مزبور یک فساد عمده ای هم داشت که در تحریر (حمایت از طرح محاکمه خامنه ای و حمایت از کیفیت اجرائی ان بتاريخ ۲۷/۱۲/۲۰۱۱) نوشته شد.

حق حاکمیت ملی که ما برایش مبارزه میکنیم و معتقدیم که جمهوری اسلامی آنرا غصب کرده اجازه نمیدهد که ما نجات کشورمان را از بیگانه تمنا کنیم. اجازه نمیدهد که مافصل محاکمه مسئولین و متهمین کشورمان را در هیچ زمان و مکانی بوسیله خارجیان بگشائیم. توسل به بیگانه برای محاکمه مسئولین کشور، نهایت دعوت بیگانه به مداخله در امور کشور است.

علت بی احتیاطی

علت این بی احتیاطی که اعلیحضرت در مقابل اثرات منفی شکایت مزبور قرار گرفته اعتقاد سیاسی و فلسفی است.

کسانی مانند آقای امید دانا و دیگران از جمله شهرام همایون که اعلام کرده و میکنند که شاهزاده را دوست دارند بطور طبیعی از وجود شاهزاده استفاده میکنند. مفهوم دوست داشتن با استفاده کردن مترادف است. شما خوراک و یا وسیله ای را که دوست دارید مصرف میکند روی طاچه نمیگذارید ولی آنها که به سلطنت اعتقاد دارند و شاه را مظهر هویت ملی و بیگانه فروغ تابناک و منبع امید و اعتماد عمومی میدانند از وجود و نام شاه آنطور استفاده میکنند که اصول سلطنت مقرر در متمم قانون اساسی احصاء کرده نه آنجور که آقای امید دانا و یا آقای شهرام همایون میخواهند.

قانون اساسی مشروطیت بسیار کوشیده است که در هیچ حال و مرحله و اقدامی به اعتبار سلطنت آسیبی نرسد و آنجا که شاه را فارغ از مسئولیت میشناسد فقط برای حفظ همین اعتبار است چرا که اعتبار شاه اعتبار ملت است. ولی این چیزها و این قیودات معتبر تاریخی و حتی مقدس، برای کسانی که اعلیحضرت را یک شهروند عادی با نسب شاهزادگی میدانند نمیتواند وجود داشته باشد و از ایشان همانطور استفاده

° - <http://1400years.org/AmirFeyz/DarRabeteHbaMohamekehKhamen-AmirFeyz-21Jan2012.pdf>

° - <http://1400years.org/AmirFeyz/HemayatAzTarhetaaghibKhamenehiConcress-AmirFeyz27Dec2011.pdf>

میشود که از رفقا و دوستانشان استفاده میکنند؛ که می بینیم سخنران شورای تجزیه طلبان و بعد هم رئیس و درعین حال مجری طرح تجزیه کشور معرفی میشوند که همه اینها درمطنه یک شهروند عادی است نه نماد ملی یک ملت.

در این حالت که اعلیحضرت از اوج اقتدار معنوی به موقعیت شهروندی عادی درآمده اند بالطبع گرایش به صفات شهروندان هم برایشان عادت میشود تا همه کارها بنام وبوسیله خودشان مطرح و یا انجام شود که خوب حاصلش همین است که اعتبار و اعتماد عمومی ایشان تا آنجا ضایع میگردد که طرف نفرین قرار میگیرند و یا آقای امید دانا در برنامه ای صلاحیت اعلیحضرت را با عقل خودشان میسنجند و به حکم عقلشان اعلیحضرت را فاقد صلاحیت سلطنت میدانند.

عروسک زیور

یک حیوان وحشی که وارد دهکده ای میشود دوراه برای دورکردن آن وجود دارد یکی اینکه بزرگ ده خودش به مقابله با آن حیوان درنده برود وپیه شکست وزخمی شدن وپی آبرو شدن را برخورد بمالد یکی اینکه جوانان وصاحبان تجربه را وارد معرکه کند؛ اعلیحضرت به عادت شهروندی حالت اول را در تمام مسائل برمیزیند ونتیجه آن میشود که نماد ملی و تاریخی ایرانیان مانند عروسک زیور مورد کشمکش کسانی قرار گرفته که ایشان را دوست دارند که عروسک زیور را هم بچه ها دوست داشتند.



